[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]

پیشگامان بلاغت فارسی در شبه‌قارهٔ هندوستان

غلامعلی فلاح*

چکیده

بدون تردید شبه‌قارهٔ هندوستان در غنا و ترویج زبان و ادبیات فارسی سهم انکارناپذیری داشته و آثار ماندگاری در حوزه‌های مختلف ادبیات به‌ویژه حوزهٔ بلاغت فارسی خلق کرده است که با نوعی خلاقیت و ابتکار منحصربه‌فرد همراه بوده است. در این مقاله کوشیده‌ایم با تکیه بر چند اثر بلاغی برتر شبه‌قاره مانند *جامع‌الصنایع* و *الاوزان* سیف جام هروی و *سبحة‌المرجان* و *غزلان الهند* آزاد بلگرامی و *حدایق‌البلاغه* فقیر دهلوی این نکته را تبیین کنیم که این سه اثر برخلاف دیگر آثار بلاغت اسلامی که تا حدودی متأثر از اندیشه‌های یونانی بوده‌اند، عمدتاً تحت تأثیر بلاغت سانسکریت به رشتهٔ تحریر درآمده‌اند. همچنین نشان داده‌ایم که سه اثر نه‌تنها دربرگیرندهٔ معیارهای نظری زیباشناسی و عناصر ادبی هستند بلکه نوعی نقد عملی را نیز دربرگرفته‌اند و در پایان به مهم‌ترین اشتراک‌های این آثار اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: بلاغت فارسی، شبه‌قاره، فقیر دهلوی، جام هروی، آزاد بلگرامی.

---

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی fallah@khu.ac.ir

---

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۳ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۳

مجلهٔ مطالعات و تحقیقات ادبی، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شمارهٔ ۱۸

۱. مقدمه

فرهنگ و ادب ایران بعد از اسلام تاکنون از سه منبع خارج از قلمرو ایران، عرب، هند و غرب متأثر شده است، اما صرفاً تأثیرپذیری از یکی از این منابع بوده که برچسبی ناخوشایند به نام عرب‌زدگی یا غرب‌زدگی را به دنبال نداشته است و آن منبع غنی فرهنگ و ادب شبه‌قارهٔ هندوستان است که نه‌تنها باعث ترویج و غنای زبان و ادب فارسی شد و به روی شاعران و ادیبان ما آغوش گشود و پذیرای آنان شد، بلکه ادیبان آن سرزمین نیز به دلایل متعددی در ترویج و غنای فرهنگ و ادب ایران‌زمین کوشیدند و در حوزه‌های مختلف آثار بی‌نظیر و ماندگاری خلق کردند که سخت شایان توجه بوده است و خواهد بود. یکی از این حوزه‌ها که با نوعی خلاقیت و ابتکار منحصربه‌فرد همراه بوده حوزهٔ بلاغت فارسی است.

قدیم‌ترین آثار بلاغت فارسی تحت تأثیر آثار بدیع بلاغی عرب از سدهٔ پنجم به بعد به رشتهٔ تألیف درآمده است. قدیم‌ترین کتاب *ترجمان‌البلاغه* است که به زیبایی‌شناسی سروده‌های شاعران عصر سامانی و غزنوی تعلّق دارد. پس‌از آن آثار مفصل‌تری به نام *حدائق‌السِحر فی دقایق الشعر* و *المعجم فی معاییر اشعار العجم* تألیف شدند. اغلب آثاری که در سده‌های هشتم و نهم مانند *حقایق‌الحدایق* و *بدایع‌الافکار* به رشته تألیف درآمدند بازنویسی و نقل مطالب *المعجم* و *حدایق‌السحر* بودند[۱] و نوآوری و تازگی نداشتند، اما از سدهٔ هشتم به بعد تعداد معدودی کتاب در شبه‌قاره به همت ادیبان آنجا نوشته شد که با بدیع و بلاغت هندی و نگرش زیبایی‌شناختی هندی آمیخته بود و تا حدودی از ابداع و نوآوری برخوردار بود. ازجملهٔ این کتاب‌ها می‌توان به *جامع‌الصنایع* و *الاوزان* و *سبحة‌المرجان* و *غزلان‌الهند* و *حدایق‌البلاغه* اشاره کرد که در این مقال به بررسی این آثار خواهیم پرداخت.

۲. جامع‌الصنایع و الاوزان

قدیمی‌ترین اثر بلاغی موجود که در شبه‌قاره به رشتهٔ تحریر درآمد کتاب ارزندهٔ *جامع‌الصنایع و الاوزان* است. این کتاب در بدیع و بلاغت و عروض و سبک‌شناسی است که سیف جام هروی از علمای قرن هشتم هجری به نام شاهزاده فتح‌خان (متوفی ۷۷۸ق.) فرزند فیروزشاه تُغْلَق (۷۵۲-۷۹۰) تألیف کرده است. بنابراین، کتاب باید قبل‌از مرگ شاهزاده (۷۷۸ق.) تألیف شده باشد (فتوحی، ۱۳۷۹: ۱۷۹).[۲]

سیف جام هروی آثار متعدد و مختلفی دارد؛ ازجمله *دیباچهٔ فتاوی سلطانی در چهار مذهب مسلمانی* و *مجموعهٔ لطایف و سفینهٔ ظرایف* (در دانش بلاغت و صنایع و اصطلاحات شعر). او همچنین صاحب دیوان شعری بوده است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]

نویسنده کتاب خود را به طرز مترسلانه نوشته و آن را از «طرز خسروانه» جدا کرده است. مرادش از طرز خسروانه، طرز و سبک امیرخسرو دهلوی است. او می‌گوید که کتاب را به طرز خسروانه ننوشته است، زیرا غرضش از تألیف آن تعلیم و تفهیم بوده، اما می‌گوید: «اگر طرز خسروانه می‌بود شیرین‌تر و رنگین‌تر می‌نمود». در توصیف طرز خسروانه می‌نویسد: «همه ایهام و خیالات است و اطلاع همه بر آن از محالات، طرز خسروانه مانند علم حقیقت است که همه را علّو شأن او روشن و سهو بیان او مبرهن است ولیکن کسی را بدان پایه کمتر دست رسد. طرز مترسلانه به علم شریعت ماند که به جدّ و جهد به کسب حاصل توان کرد و زود بدان وصل توان شد» (همان، ۱۸۰).

سیف جام هروی در این اثر به مباحثی چند پرداخته است، ازجمله نقد ادبی و سبک‌شناسی شعر فارسی که این‌همه، از ژرف‌اندیشی و دانش مؤلف حکایت می‌کند. او معتقد است هنر شاعری از سادگی به سوی کمال و پیچیدگی پیش می‌رود و فضل متقدمان خود را فراموش نمی‌کند و حرمت آنان را پاس می‌دارد، البته با این‌همه دو اصل ادبیات کهن: «یَجوزُ للشاعرِ ما لا یَجوزُ لِغَیرِه» و «المعنی فی قلب الشاعر» را نمی‌پذیرد و هدف انتقاد قرار می‌دهد و طبع را که ملکهٔ شاعری است فطری و فیض یزدانی می‌داند و آن را اکتسابی نمی‌شمارد.

مؤلّف در این اثر شاعران را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: دسته‌ای که در بلاغت و دقت معنی می‌کوشند و به ترکیب نظر ندارند؛ دسته‌ای نیز در تهذیب لفظ می‌کوشند و به بلاغت و رقّت معانی عنایتی ندارند؛ دستهٔ سوم شاعرانی هستند که جانب اعتدال در لفظ و معنی را نگه می‌دارند. در ادامه شاعران فارسی را ازمنظرهای مختلف طبقه‌بندی می‌کند و هر شاعر برجسته‌ای را به نوع شعر خاصی منتسب می‌دارد. او به‌طورکلی طرزهای شاعران را ده قسم می‌داند این به شرح:

۱. حکیمانه از آن سنایی است؛ ۲. کاملانه از آن خاقانی است؛ ۳. فاضلانه از آن انوری است؛ ۴. مترسلانه از آن ظهیر فاریابی است؛ ۵. مدقّقانه از آن کمال‌الدین اسماعیل است؛ ۶. محققانه از آن عبدالواسع جبلی است؛ ۷و ۸. ندیمانه از آن فردوسی و نظامی است؛ ۹. عاشقانه از آن سعدی است؛ ۱۰. خسروانه طرز امیر خسرو دهلوی است (نوشاهی، ۱۳۸۱: ۴۵-۴۶).[۳]

۳. سُبْحَةُالمَرجان فی آثار هندوستان و غِزلان‌الهند

غلامعلی آزاد بلگرامی (۱۱۱۶-۱۲۰۰ ق) بی‌شک برجسته‌ترین محقّق ادبی سده‌های دهم تا سیزدهم هجری در ایران و شبه‌قاره است. او منتقدی است تیزبین با دانشی وسیع،

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]

زبان‌های فارسی و عربی و هندی را خوب آموخته و نقدهایش علمی و روش‌مند[۴] است. بلگرامی در تاریخ دانش و ادب در شبه‌قارهٔ هند جایگاه ممتازی دارد و درکنار چهره‌های مهمی چون سید عبدالحی حسن، صاحب *نزهة‌الخواطر* و *بهجة‌المسامع* و *النواظر* و سیدصدیق حسن‌خان، صاحب *ابجدالعلوم* و شیخ رحمن علی نویسندهٔ *تذکرهٔ علماء هند* قرار می‌گیرد و حتی در حوزهٔ بلاغت برتر از آنهاست.

آزاد نه‌تنها در تحقیقات و تألیفات ادبی مستعد و توانا بود که بدون تردید در حوزهٔ شعر از شاعران مستعد و صاحب ذوقی بود که به زبان‌های عربی، فارسی و هندی شعرهای بسیاری سروده و در هر سه زبان مقتدر و توانمند ظهور کرده است.[۵]

کتاب *سبحة‌المرجان* او (تألیف ۱۱۷۷ق) اثری تطبیقی در زیبایی‌شناسی شعر هندی فارسی و عربی است. انگیزهٔ اصلی او از تألیف این اثر انتقال دانش‌های بلاغی- بدیعی هندی به زبان عربی بوده است. این کتاب به زبان عربی در چهار فصل به‌این‌ترتیب تدوین یافته است:

فصل اول: فیما جاء من ذکر الهند فی التفسیر و الحدیث

فصل دوم: فی‌الذکر العلماء انارالله براهینهم

فصل سوم: فی محسنات الکلام

فصل چهارم: فی‌المعشوق و العشاق

دو فصل سوم و چهارم که به علم بدیع و علم عاشقی مربوط می‌شوند ازحیث محتوا شباهت زیادی به باب‌های اول تا چهارم کتاب *تحفة‌الهند* دارند (فتوحی، ۱۳۷۹: ۲-۴).[۶]

کتاب *غزلان‌الهند* ترجمهٔ فارسی فصل‌های سوم و چهارم کتاب *سبحة‌المرجان* است که خود مؤلف به خواهش دو تن از شاگردانش در سال ۱۱۷۸ ق. از عربی به فارسی درآورد تا «نوای دلگشای طوطیان هند را به گوش صاحب‌طبعان فرس برساند» (بلگرامی، ۱۳۸۲: ۲۴).

این اثر کتابی مختصر در توضیح و انتقال پاره‌ای از علوم بلاغی هندوان به زبان فارسی و یافتن معادل آنها در شعر فارسی و کلاً بر دو بخش است: یکی در علوم بلاغی متعارف یعنی بخشی از بیان (تشبیه) و بدیع معنوی هندی که مؤلف پس‌از توضیح برای آنها از شعر فارسی مثال آورده است. دوم در صفات معنوی عاشق و معشوق، مبتنی بر منابع هندی.

نویسنده پس‌از توضیح این نکته که معشوق شعر فارسی برخلاف شعر هندی معمولاً مذکر است، برای آنها در شعر فارسی مسامحتاً مصادیقی جسته است. نویسنده در جنب این هر دو مورد پاره‌ای از یافته‌های خود را هم مطرح کرده است. از هر دو جنبه اهمیت کتاب در این است که برخلاف کتاب‌های معمول از دیدگاه مسائل معنایی به شعر فارسی نگریسته

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]

نه لفظی، و بنابراین می‌توان این کتاب را رساله‌ای در موضوع یا مضمون به‌طورکلی معنی‌شناسی شعر فارسی دانست.

درباب بخش اول از دیدگاه مباحث جدید بلاغی می‌توان گفت برخی وجوه ادبیت شعر فارسی را به‌لحاظ مسائل معنوی (بیان و بدیع معنوی) توضیح داده است.

بخش دوم کتاب در صفات عاشق و معشوق است؛ هندیان در این زمینه علمی دارند موسوم به نایکابهید. نایکا به معنی زن و معشوق و بهید همان وید و ودا به معنی دانش است. روی‌هم‌رفته یعنی دانش زنان، زن‌شناسی و در آن از صفات مختلف زن (معشوق) مثلاً وفادار، جفاکار، صالحه، طالحه و امثال این سخن گفته شده و آزاد برای هر دو ابیاتی از شعر فارسی آورده است. این بحث بسیار جالب‌توجه و نو است؛ زیرا در آثار ما بیشتر به مشخصات ظاهری یعنی زیبایی معشوق (مثلاً کمرباریک، زلف دراز، ابروی کمانی) توجه شده است تا صفات معنوی. در این بخش مؤلف تذکر می‌دهد که در ادب هندی اظهار عشق ازطرف زن است و درحقیقت زن عاشق است و مرد معشوق که برعکس شعر فارسی است. سپس اشاره می‌کند که در شعر فارسی (و ترکی) برخلاف شعر هندی و عربی عاشق و معشوق هردو مذکرند. آزاد بلگرامی به قیاس صفات زنان، برای مردان هم صفاتی ذکر کرده و آن‌گاه از شعر فارسی شاهد جسته است.

گرچه *غزلان‌الهند* ترجمهٔ لفظ‌به‌لفظ *سبحة‌المرجان* است، با اصل عربی تفاوت فراوان دارد و «خود کتاب مستقلی می‌تواند باشد. تفاوت اساسی دو کتاب در نمونه‌ها و شواهد آنهاست. شواهد و نمونه‌های *سبحة‌المرجان* عربی است و شواهد *غزلان‌الهند* از شعر شاعران فارسی معاصر مؤلف است. شواهدی که برای آرایه‌های ابداعی خود از شعر فارسی آورده، به خاطر بیان عناصر جمال‌شناسی شعر سبک هندی اهمیت خاصی دارد. پاره‌ای از این آرایه‌ها از مشخصه‌های خاص سبک هندی است و در شعر دوره‌های پیش کمتر به‌کار رفته است. اگرچه تعریف برخی آرایه‌ها مبهم و نارساست، اما به مدد همین نمونه‌های فارسی می‌توان آن آرایه‌ها را شناخت. *سبحة‌المرجان* از این ویژگی برخوردار نیست، به دو علت: یکی آنکه آرایه‌های ابداعی مؤلف مربوط به عناصر شعر فارسی و به‌ویژه سبک هندی است، ولی نمونه‌ها عربی است. دوم آنکه بیشتر شواهد از شعر شاعران عرب نیست، بلکه سرودهٔ خود مؤلف است. از این جهت، آزاد بلگرامی در بیان مبانی جمال‌شناسی شعر فارسی به‌وسیلهٔ

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]

شعر عربی چندان موفق نیست و اغلب نمونه‌ها تصنعی می‌نماید، حال آنکه شواهد فارسی *غزلان‌الهند* به‌آسانی با تعریف آرایه‌ها منطبق است» (فتوحی، ۱۳۷۹: ۲۰۴-۲۰۵).

٤. حدائق‌البلاغه

یکی از آثار بلاغی که در سال ۱۱۶۸ ه ق. به‌وسیلهٔ شمس‌الدین فقیر دهلوی (۱۱۱۵-۱۱۸۳هق) در هندوستان به فارسی تألیف شده *حدایق‌البلاغه* است. میرشمس‌الدین فقیر دهلوی که در شعر «مفتون» تخلص می‌کرد، در سال ۱۱۱۵ هجری قمری در دارالخلافهٔ شاه‌جهان‌آباد (دهلی) متولد شد. او از بزرگ‌زادگان دهلی بود و در فقه، حدیث، تصوف، شعر، انشا، عروض و قافیه، معانی و بیان و بدیع و دیگر علوم زمان مهارت داشت... .[۷]

حدایق‌البلاغه مشتمل بر یک دیباچه و پنج حدیقه و یک خاتمه است. فقیر دهلوی در دیباچهٔ کتاب می‌نویسد: «... فن شعر از نفائس فنون و لطایف علوم است و در هر جزو زمانی پیرایهٔ افتخار حکمای نامدار و سرمایهٔ مباهات فضلای عالی‌مقدار بوده و پیوسته فضلای بلاغت‌آیین و بلغای فصاحت‌آفرین به‌وسیلهٔ این فن شریف و پیشهٔ لطیف، زینت‌بخش عزت و اقبال و صدر آرای ایران حشمت و اجلال بوده‌اند...» (فقیر دهلوی، ۱۸۸۷ م: ص۴).

در ادامهٔ دیباچه نیز پس‌از معرفی خود به بیان انگیزه و هدف تألیف کتاب *حدائق‌البلاغه* و وجه تسمیهٔ آن می‌پردازد: «راقم حروف، شمس‌الدین فقیر، که به تمنای ظل همای سعادت‌فزای معنی، عمری در این فن استخوان شکسته و در زاویهٔ خمول منتظر لطیفهٔ غیبی نشسته، غیر از سخن، همدمی، و به‌جز کتاب، انیسی ندارد. چون از دیرباز مکنون خاطر بود که اگر فرصت وقت دست دهد و توفیق مساعدت نماید، مجموع فنونی که در شعر و شاعری از آن گریز نمی‌باشد در یک کتاب سِمَت اندراج یابد تا... چون صورت این معنی در آینهٔ خاطر مرتسم گردد، به اتمام این امر جلیل‌القدر کمر اهتمام بربستم و به توفیق باری ـ عزاسمه ـ به اندک فرصتی، مرکوز ضمیر را در نیکوترین صورتی جلوهٔ ظهور بخشیدم. این کتاب، چون مشتمل بر فنون بلاغت است، به *حدائق‌البلاغه* موسوم گردید و مبتنی بر پنج حدیقه و خاتمه شد...» (همان، ۴-۵).

حدیقهٔ نخست آن در علم بیان است و آن در چهار شجرهٔ اصلی، تشبیه (با پنج فرع) استعاره (با چهار ثمره)، مجاز مرسل (با نُه نوع) و کنایه و اقسام آن.

حدیقهٔ دوم آن در بیان صنایع لفظی (قلب کل، قلب بعض، اشتقاق، ردالعجز علی‌الصدر، مقطع، سجع، ذوقافیتین، متلّون، سیاقةالاعداد، توشیح، تنسیق‌الصفات) است.

حدیقهٔ سوم آن در علم عروض است.

حدیقهٔ چهارم آن در علم قوافی، حروف قافیه، عیوب قافیه و انواع قافیه است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]

حدیقهٔ پنجم در فنّ معماست.

نویسنده در نگارش این کتاب از *مطول* و *شرح مختصرالمعانی* علامه تفتازانی تأثیر پذیرفته است. مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارت است از:

الف) گستردگی و جامعیت اثر

ب) تفکیک علوم بلاغی ـ بدیعی از یکدیگر و ترتیب و فصل‌بندی دقیق مباحث

ج) کثرت و تعدد شواهد فارسی و تطبیق قواعد و مباحث بلاغی عربی با آنها

د) استناد به اقوال و آثار پیشینیان و نقد آنها

ه) نقد و تحلیل‌ها و نظریات مؤلف *حدائق‌البلاغه*

و) ارائهٔ یک رسالهٔ جامع و مفید و کم‌نظیر از عروض و قافیهٔ فارسی و معما درکنار دیگر علوم بلاغی.

نتیجه‌گیری

این مثلث بلاغت نظری‌ـ عملی‌ـ فارسی *جامع‌الصنایع*، *غزلان‌الهند* و *حدایق‌البلاغه*، که نه تنها دربرگیرندهٔ معیارهای زیبایی‌شناسی و عناصر ادبی است بلکه به‌طور عملی به نقد و ارزیابی آثار ادبی اعم از شعر و نثر می‌پردازد، شباهت بسیاری به مثلث بلاغت اسلامی: *البیان و التبیین* جاحظ، *اسرارالبلاغة* عبدالقاهر جرجانی و *منهاج‌البلغاء و سراج‌الادباء* ابن حازم دارد و می‌توان آن را قرینه‌ای برای مثلث بلاغت عالم اسلام به‌شمار آورد.

چنان‌که می‌دانیم، آثار بلاغی جهان اسلام عمدتاً تحت تأثیر بلاغت یونان به رشتهٔ تحریر درآمده، به‌ویژه اثر مستطاب ابن‌حازم سخت از اندیشه‌های متفکران یونان متأثر بود، گرچه دو اثر دیگر که در حوزه‌های عراق و ایران تدوین شد نیز به‌واسطهٔ بیت‌الحکمة مأمون که مرکز ترجمهٔ آثار یونانی بود، تحت تأثیر تشعشعات فکر یونانی قرار داشت و همچنین می‌توان مدعی شد که به‌طور غیرمستقیم جاحظ بصری و عبدالقاهر جرجانی نیز از بلاغت هندی باید تأثیر پذیرفته باشند؛ مجال طرح دلایل این ادعا در این مقاله نیست و اگر توفیقی باشد در مجالی دیگر بدان خواهیم پرداخت.

اضلاع مثلث بلاغت فارسی هندی‌نگار نیز تحت تأثیر بلاغت سانسکریت به رشتهٔ تحریر درآمده است و زبان فارسی برای این ادیبان و متفکران هندی، حکم زبان عربی را برای بلاغیون ایرانی و غیرایرانی داشته است.

علاوه‌براین، قدرمشترک‌های دیگری نیز می‌توان برای ضلع‌های مثلث بلاغت فارسی هندوستان برشمرد، ازجمله:

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]

۱. ادیبان بلاغی شبه‌قاره هر سه شاعرانی برجسته بودند.

۲. هرسه به دانش‌های ادبی روزگار خود واقف بوده و به همهٔ این دانش‌ها عنایت کرده‌اند.

۳. هرسه تن فارِس میدان عربی و فارسی و هندی بوده‌اند و بی‌شک در نگارش آثار خود تحت تأثیر جریان بلاغت اسلامی- عربی بوده‌اند، به‌ویژه آثار بلاغی کلاسیک عرب مثل *مطول* و *مختصرالمعانی*.

۴. نکتهٔ دیگر اینکه اینان ابتدا زبان فارسی را فراگرفته و پس‌از آن در زبان عربی سرآمد شده‌اند.

۵. آثار اینان مبتنی بر بعد نظری و عملی است.

پی‌نوشت

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک. مقدمهٔ *حقایق‌الحدائق*، و نیز مقدمهٔ *بدایع‌الافکار*.

۲. و نیز ر. ک. نوشاهی، *جامع‌الصنایع و الاوزان. سبک‌شناسی شعر*، ص۴۳.

۳. نیز ر. ک. *نقد خیال*، ۱۹۰-۱۹۱.

۴. دربارهٔ آثار و زندگی آزاد بلگرامی ر.ک. غلامعلی آزاد البلغرامی: حیاته و شخصیته اعداد سیدمحمد طارق *الماجیستر* ماقبل الدکتورا.

۵. دربارهٔ آثار و زندگی آزاد بلگرامی ر.ک. *غزلان‌الهند* و *نقد خیال*، ۲،۳ – ۲،۴؛ تذکرهٔ *نتایج‌الافکار*، ۸۷-۹۲.

۶. نیز ر.ک: *غزلان‌الهند*.

۷. دربارهٔ شرح احوال وی ر.ک. *مجمع‌النفائس*، ۷۰۵؛ *تذکرهٔ نتایج‌الافکار*، ۵۴۷-۵۴۹؛ *خزانهٔ عامره*، ۳۷۵؛ *آتشکدهٔ آذر*، ۵۲۴؛ رضائی آرادانی؛ فقیر دهلوی، ۳۱-۴۱.

منابع

آذر بیگدلی، لطف‌علی بیگ (۱۳۷۸) *آتشکده*. بخش سوم. به‌کوشش میرهاشم محدّث. تهران: امیرکبیر.

آرزو، سراج‌الدین علی‌خان (۱۳۸۵) *مجمع‌النّفائس*. با تصحیح مهرنور محمدخان و دکتر سرافراز ظفر. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

آزاد بلگرامی، میر غلامعلی (۱۹۰۰) *خزانهٔ عامره*. کانپور: نول کشور.

ـــــــــ (۱۳۸۲) *غزلان‌الهند*. مطالعهٔ تطبیقی بلاغت هنری و فارسی به انضمام فصلی در زن‌شناسی. تصحیح سیروس شمیسا. تهران: صدای معاصر.

ـــــــــ (۱۹۱۷) *مآثرالکرام* (تاریخ بلگرام)، لاهور: مکتبة احیاءالعلوم الشرقیه.

اته، هرمان (۱۳۵۶) *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمهٔ رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

رضایی اردانی، فضل‌اله (۱۳۸۶) «فقیر دهلوی، شخصیت برجستهٔ علوم بلاغی فارسی در هند». *پژوهشنامهٔ ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان*. دورهٔ ۵. شمارهٔ ۸: ۲۷-۵۰.

عاشقی عظیم‌آبادی، حسینقلی‌خان (۱۹۸۳) *تذکرهٔ نشتر عشق*. با تصحیح و مقدمهٔ اصغر جانفدا. زیرنظر اعلاخان افصح زاد و جابلقا داد علیشایف. دوشنبه: نشریات دانش.

فتوحی، محمود (۱۳۷۹) *نقد خیال* (نقد ادبی در سبک هندی). تهران: روزگار.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]

فقیر دهلوی (۱۸۸۷) *حدائق‌البلاغه*. لکهنو: چاپ سنگی.
گوپاموی، محمد قدرت‌اله (۱۳۱۶) *نتایج‌الافکار*. به‌کوشش اردشیر خاضع. بمبئی: چاپخانهٔ سلطنتی.
محمود، سیدفیاض و سید وزیر الحسن عابدی (۱۳۸۰) *تاریخ ادبیات فارسی در شبه‌قارهٔ هند*. ترجمهٔ مریم ناطق شریف. تهران: رهنمون.
نقوی، علیرضا (۱۳۴۳) *تذکره‌نویسی در هند و پاکستان*. تهران: مؤسسهٔ مطبوعاتی علمی.
نوشاهی، عارف (۱۳۸۱) «جامع الصنایع و الاوزان»، از مأخذ کهن فارسی در علوم بلاغی و سبک‌شناسی شعر. مجلهٔ *معارف*. سال ۱۹. شمارهٔ یک (پیاپی ۵۵): ۳۶-۴۹.
واله داغستانی، علی قلی‌خان (۱۳۸۴) *ریاض الشعرا*. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
هاشمی سندیلوی، شیخ احمد علی‌خان (۱۳۷۱) *تذکرهٔ مخزن‌الغرائب*. به‌اهتمام محمدباقر اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
هدایت، رضا قلی‌خان (۱۳۴۴) *ریاض‌العارفین*. به‌کوشش مهر گرکانی. تهران: کتابفروشی محمودی.
هندی، بهگوان داس (۱۹۵۸) *سفینهٔ هندی*. به تصحیح سید شاه‌محمد عطا الرحمن کاکوی. پتنه. ادارهٔ تحقیقات عربی و فارسی پتنه.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2024-03-28]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1394.7.18.8.4]
[DOI: 10.52547/jls.7.18.133]